حماسه دینی و تاریخی در ادبیات فارسی

کاکایی، عبدالجبار

الف:سرودن حماسه اقدامی ثانوی است که بعد از ثبت‏ حماسه توسط تاریخ‏نگاران صورت می‏گیرد و گاه بدون ثبت‏ حماسه و تنها به صرف اشتهاری که در روایات مردمی دارد، شاعر یا نویسنده‏ای با همتی والا به سرودن آن بر مبنای روایات‏ می‏پردازد،حماسه‏های ملی ما از اوستا تا خدای‏نامه در کتب‏ تاریخی و دینی جای دارند.اگرچه بعد تاریخی این حماسه‏ها با اساطیر پیوند خورده است،اما متون دینی و تاریخی،جزئیات‏ خلق آن حماسه‏ها را ثبت و ضبط کرده‏اند.سروده‏های موسوم به‏ گاتاها،زامیادیشت و برخی از فصول خرده اوستا به ثبت‏ حماسه‏های ملی و نقل اسطوره‏ها اختصاص دارند.از آنجا که‏ غرض اصلی سخن ما طرح حماسه است،به اینکه جزئیات‏ تاریخی حماسه‏های خلق شده قابل تصدیق یا تکذیبند کاری‏ نداریم.

قدر مسلم این است که دو نیروی اهریمن-که منشأ دروغ، شرارت،آزار و پلیدی است-و خرد مقدس یا اهورامزدا-که‏ نماد پاکی و پاکدینی است-در ستیزی پیاپی نقطهء آغاز تاریخ‏ جهانند و ادامهء این تاریخ درواقع شرح مبارزهء دوستان فرد مقدس‏ با اهریمن و اهریمنیان است.حماسه یک مفهوم است که گاه‏ فراتر از تاریخ بر مصادیقی خاص اطلاق می‏شود،مانند ستیز خیر و شر که در نهاد آفرینش است.اگر مبدأ تاریخ را مکتوبات‏ بشر فرض کنیم یا روایات شفاهی آنها،حماسه پیش از آن، ضمن آن و بعد از آن وجود دارد،بنابراین ناگزیریم برای تفهیم‏ مصادیق مختلف آن،بحثمان را دسته‏بندی و تفکیک کنیم و با ذکر عناوینی خاص،دوره‏های مختلف خلق حماسه را مشخص‏ نماییم.

1.حماسه از منظر فلسفه و دین؛

2.حماسه از منظر تاریخ.

1.حماسه از منظر فلسفه و دین به ابتدای آفرینش گره‏ خورده است،یعنی از آنجا که هست و نیست و علم و جهل‏ رویاروی هم صف‏آرایی کردند،تا آنجا که اهریمن و انسان به‏ پیکار باهم برخاستند.نزاع پیش از آفرینش انسان در بین مفاهیم‏ و صورتهای معنوی بود و پس از تجسیم پاکدلی و پاکدینی در شخصیت انسان،و ناپاکی و پلیدی در شخصیت شیطان این نزاع‏ به‏گونه‏ای دیگر دنبال شد.خلق سروده‏های حماسی در این‏ موضوع از متون مقدس دینی آغاز می‏شود و چون رودخانه‏ای‏ پویا تا انتهای بستر تاریخ جریان پیدا می‏کند،ادبیات عرفانی و ادبیات تعلیمی ما آن‏گاه که عرصهء تقابل ارزش و ضد ارزش را می‏نمایانند،در حقیقت خالق حماسه‏اند.مفهوم«جهاد اکبر» اطلاق نامی حماسی است بر این موضوع.و قهرمانان این میدان‏ سالکان طریق عشق و معرفتند.چه بسا حماسه‏های تاریخی‏ پرتوی از حماسهء نیرومند اخلاقی،دینی و فلسفی است که در نهاد آفرینش جریان دارد.

برای نمونه نبرد رستم و اسفندیار درواقع ستیز عشق و عقل‏ است و«هفت خوان»نمادی از هفت شهر عشق.حتی گاه‏ آفرینندگان حماسه‏های اخلاقی و دینی،حماسه‏های تاریخی را به سخره گرفته‏اند.به قول مولانا:

عشق چو خونخواره شود،رستم بیچاره شود کوه احد پاره شود،وای چه جای دل من

به هر جال در اوستا بخصوص در زامیادیشت فصل درازدامنی‏ دربارهء حماسه‏های دینی آمده است و دیگر متون مقدس نیز مشحون از طرح حماسه‏های بزرگ دینی است.

2.حماسه‏های تاریخی از نخستین شکل‏گیری جمعیتهای‏ تاریخی آغاز می‏شود،دور نیست اگر نزاع هابیل و قابیل را از لحاظی نخستین جنگ،و باعث خلق نخستین حماسهء تاریخی‏ بدانیم.هرچند بعد تراژیک داستان کاملا چشمگیرتر است.

در حماسه‏های تاریخی مفاهیمی دیگر اعم ازنژاد،سرزمین‏ و قومیت،به اخلاق اضافه و عامل خلق و شکل‏گیری حماسه‏ می‏شوند،روایات شفاهی مردم از تاریخ ناقل حماسه‏های‏ تاریخی است و در دوره‏هایی که بستر مناسبی برای نگارش‏ حماسه فراهم می‏شود،روایات شفاهی به صورت شعر یا نثر ثبت و ضبط می‏شوند.

بیشتر کتابهای حماسی و باستانی ما مانند ایاتکارزیران، گشتاسب‏نامه و شاهنامه‏ها مجموعه‏ای از حماسه‏ها در دو منظر یادشده‏اند.یعنی با شرح حماسه‏های فلسفی و دینی آغاز می‏شوند و به شرح حماسه‏های ملی و قومی می‏انجامند.خوب‏ است به حماسه‏های تاریخی عنوان حماسه‏های اجتماعی بدهیم‏ تا قدری بحث روشن‏تر شود زیرا مقصود از حماسه‏های تاریخی‏ تقابل نیروهای فیزیکی در عرصهء اجتماعات بشری است.بدیهی‏ است که این تعریف شامل رودررویی نیروهای معنوی ماورائی‏ و غیر فیزیکی نمی‏شود.ازاین‏رو چنانچه شخصیتی دینی چونان‏ علی«ع»در جنگ خیبر یا خندق،خالق حماسه‏ای باشد،آن‏ حماسه مانند حماسه‏های تاریخی دیگر در قلمرو اجتماع‏ صورت پذیرفته است و اطلاق حماسهء دینی به آن مسامحه در تشخیص نوع حماسه است.حال اگر حماسه‏های اجتماعی را از منظر موضوع تقابل بررسی کنیم،می‏بینیم که قومیت، ملیت،نژاد،دین و اخلاق می‏تواند از عوامل آن محسوب شود. اما هیج کدام از این موضوعات در کیفیت خلق حماسهء موردنظر تغییری ایجاد نمی‏کنند.نبرد رستم و اسفندیار،رستم و سهراب،علی(ع)و عمرو بن عبدودّ،همه و همه حماسه‏های‏ اجتماعی و تاریخی است،چه با موضوع ملیت صورت گرفته‏ باشند و چه با موضوع دین.با این اوصاف حماسه‏های فلسفی، دینی و اخلاقی در یک سوی قرار می‏گیرند و تحت عنوانهایی‏ کلی چون نزاع عقل و عشق،علم و جهل،خیر و شر، زیبایی و زشتی و بدی و خوبی شناسایی می‏شوند و حماسه‏های‏ تاریخی-اجتماعی در سمتی دیگر.

به:در حماسه‏های تاریخی و اجتماعی،همهء ملتهای جهان‏ مشترکند،زیرا از نخستین تشکلهای اجتماعی بشر تاکنون نبرد و تقابل وجود داشته است،اما این حماسه‏ها از جهت موضوع با هم متفاوتند.مثلا حماسه‏های قوم یهود مولود دو عامل‏نژاد و دین است؛حماسه‏های مسلمانان،مولود دین و مذهب؛ حماسه‏های قوم ژرمن،مولود نژادپرستی افراطی و حماسه‏های‏ ملی ایران مولود تفاخر به نیاکان،گذشتگان و آب و خاک است. و مسائلی از این دست.طبیعی است که در سروده‏های‏ حماسی،در قالب گفتگوی قهرمانان داستان به عناصر تشکیل‏دهندهء تقابل اشاره می‏شود،برای نمونه نبرد ارجاسب و گشتاسب یک حماسهء تاریخی اجتماعی‏ست با موضوع دین که‏ در مکاتبات این دو پادشاه عناصر سازندهء تقابل به تفصیل بیان‏ شده است؛یا نبرد رستم و اسفندیار.

اما در جنگ کیخسرو و افراسیاب،رستم و دیو سپید، منوچهر و سلم وتور عناصر سازندهء حماسه متفاوتند؛گاه‏ انتقام،گاه تسخیر ممالک دیگر،گاه اثبات برتری‏نژاد و گاهی‏ دین و اخلاق.بدیهی است با تقابل موضوعات در حماسه‏های‏ تاریخی و اجتماعی می‏توان ارزشهای فرهنگی ملتهای مختلف‏ جهان را باهم مقایسه کرد،و از این راه تکامل معنوی ملل را شناساند.

اما در حماسه‏های دینی و فلسفی،همهء ملتها باهم برابرند، مسیحیت،بودیسم،یهود و اسلام با قهرمانان حماسی خویش‏ یعنی پیامبران الهی و کتب مقدس راهی یکسان رفته‏اند و آنچه در ادبیات ملتها انعکاس یافته چیزی نیست جز بیان این‏ وحدت نظر.

ج:از قرن پنجم و ششم به این سوی،عناصر سازندهء حماسه‏های تاریخی و اجتماعی در ایران رفته‏رفته تغییر ماهیت‏ دادند.گسترش دین اسلام،تولد مذاهب و نحله‏های فکری‏ وابسته به اسلام و ظهور عرفان،رفته‏رفته موضوع ملیت را کم‏رنگ کرد و کار به جایی رسید که مولانا سرود:

این وطن مصر و عراق و شام نیست‏ این وطن جایی‏ست کاو را نام نیست

یا:

ای بسا هندو و ترک همزبان‏ و ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس شایسته است که تسامح در تقسیم‏بندی حماسه به دینی و ملی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد و برای تصحیح آن‏ تلاشهایی صورت پذیرد.